



۲۴ ۳۵۳



شهادت

«دانشگاه شهید بهشتی»

«دانشکده حقوق»

موضوع:

قتل عمدی با اعتقاد مهدور الدم بودن مقتول

استاد راهنما:

دکتر جعفر کوشا

استاد مشاور:

دکتر رجیعی گلدوست جویباری

نگارش:

ابراهیم رهنمازاده

پانیز - ۷۷

۲۴۳۵۳

«تقدیر و تشکر»

در اینجا لازم می‌دانم با توجه به آیه شریفه «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از استاد بزرگوار و ارجمند جناب آقای دکتر جعفر کوشا استاد راهنما که به حق زحمات فراوانی در تهیه و تدوین رساله متقبل شدند قدردانی و تشکر کنم و از استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر رجبعلی گلدوست جویباری و اساتید محترم داور جناب آقای دکتر محمد علی اردبیلی و دکتر خزانی و دکتر نور بهاء و سایر اساتید دانشکده حقوق شهید بهشتی تهران و بویژه از استاد عالیقدر جناب آقای دکتر علی آزمایش که در تهیه و تدوین رساله مرا یاری فرمودند کمال تشکر و قدردانی بعمل می‌آید.

تقدیم بہ:

روح مطہر پدر عزیزم مرحوم محسن رهنما



فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	مقدمه
۱۲	بخش اول - مطالعه فقهی و حقوقی قتل مهدورالدم
۱۶	فصل اول - تعریف و شرایط و اقسام مهدورالدم
۱۶	مبحث اول - تعریف
۱۶	گفتار اول - تعریف اصطلاحی و فقهی مهدورالدم
۱۹	گفتار دوم - شرایط تحقق مهدوریت
۲۱	الف - ارتکاب جرائم مهدهه یا داشتن عقاید مهدهه
۲۲	ب - احراز عمل و عقیده مهدهه بوسیله قاضی
۲۳	ج - صدور حکم مهدوریت
۲۴	مبحث دوم - انواع مهدورالدم
۲۶	گفتار اول - مهدورالدم خاص
۲۶	گفتار دوم - مهدورالدم عام
۲۹	فصل دوم - بحثی حقوقی و فقهی پیرامون مهدورین عقیدتی
۳۳	مبحث اول - آزادی عقیده و بیان در قرآن و روایات



<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۳۳	گفتار اول - آزادی عقیده و بیان در قرآن
۳۷	گفتار دوم - آزادی عقیده و بیان از دیدگاه روایات
۳۹	مبحث دوم - محدودیت‌های آزادی عقیده و بیان
۴۲	گفتار اول - مهدورالدم بودن کفار
۴۳	الف - اقسام کفر و کفار در فقه اسلامی
۴۸	۱- ذمی
۴۹	۲- حربی
۴۹	۳- موارد فسخ قرارداد امان
۵۰	۴- دارلحرب
۵۲	ب - مهدورالدم بودن کفار حربی
۵۶	ج - قتل کافر حربی از دیدگاه فقه عامه
۵۸	گفتار دوم - مهدورالدم بودن مرتد
۵۹	الف - اقسام ارتداد
۶۰	ب - شرایط ارتداد
۶۱	ج - معیار تحقق ارتداد و اسلام از دیدگاه فقه
۷۱	د - موجبات ارتداد و خروج از دین از دیدگاه فقه و احکام شریعت



صفحه

عنوان

بخش دوم اهدار به سبب ارتكاب جرائم مهدره، و تكرار در جرائم

مستوجب حد ۸۵

فصل اول - اهدار به سبب ارتكاب جرائم مهدره ۸۹

۱- مهذورالدم بودن مهاجم در حالت دفاع مشروع ۹۱

۲- مهذورالدم بودن زن و مرد اجنبی در فراش واحد ۱۰۹

۳- اهدار به سبب ارتكاب لواط ۱۱۱

۴- مهذورالدم بودن سائب النبی و مدعی النبوه ۱۱۴

۵- مهذورالدم بودن ساحر و جادوگر ۱۱۹

۶- مهذورالدم بودن محارب ۱۲۲

فصل دوم - اهدار به سبب تكرار در جرائم مستوجب حد ۱۳۲

۱- تكرار در جرم زنا - ۱۳۵

۲- تفخيز مكرر ۱۴۲

۳- تكرار در مساحقه - ۱۴۵

۴- تكرار در قذف - ۱۴۶

۵- تكرار در شرب خمر - ۱۴۷



<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۴۸	۶- تکرار در سرقت مستوجب حد -
۱۵۰	بخش سوم - بررسی حقوقی و قضائی قتل مهدورالدم
	فصل اول - تحلیل و مقایسه مواد ۲۱۹ و تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون
۱۵۳	مجازات اسلامی
۱۵۸	فصل دوم - قتل مهدورالدم و رویه محاکم دادگستری
۱۵۹	رای دادگاه
۱۶۵	رای هیئت عمرمی دیوانعالی کشور
۱۷۶	نتیجه گیری
۱۸۴	فهرست منابع و مأخذ
۱۸۴	الف - کتب:
۱۸۴	۱- فارسی
۱۸۷	۲- عربی:
۱۸۹	«ب» جزوه‌ها و پایان نامه‌های تحصیلی
۱۹۱	«ج» «نشریات و مجلات»

مقدمه

قتل نفس یکی از بزرگترین جرائمی است که هم در قوانین عرفی و هم در شرایع و ادیان مختلف معرفی، و برای آن مجازات وضع گردیده است.

در واقع قتل نفس مهمترین جرم علیه تمامیت جسمانی انسان است، که هم به لحاظ موضوع، که سلب حیات یک انسان است، و هم آثاری که در اجتماع بشری برجای می‌گذارد، مورد توجه و عنایت خاص قرار گرفته و در اکثر قوانین مدونه و شرایع آسمانی برای مرتکب قتل عمد مجازات اعدام مقرر شده است.

امروزه که مخالفت با مجازات اعدام در کشورهای مختلف روبه تزاید است، معهذا هنوز در بسیاری از جوامع و ممالک دنیا برای پیشگیری از قتل نفس و حفظ امنیت جانی افراد جامعه کماکان مجازات اعدام برای قتل نفس حفظ شده است. سوابق تاریخی نشان می‌دهد در کشورهایانی که دارای تمدن قدیمی شناخته شده‌ای هستند، مانند یونان، مصر، روم و ایران مجازات اعدام برای قتل نفس عمدی از قدیم‌الایام مورد قبول واقع شده است، و این امر هم به لحاظ تنبیه مجرم و هم از جهت ارعاب سایرین و تسکین حس انتقام‌جوئی اولیاء دم مقتول و جلوگیری از جنگها و خونریزیهای بعدی بعنوان یکی از مناسبترین راه حل انتخاب شده بود.

از نظر ادیان الهی مطابق آنچه که قرآن مجید می‌فرماید و تحقیقات تاریخی نشان می‌دهد، در شریعت یهود مجازات اعدام قاتل (قصاص) مقرر گردیده، و نه تنها در مقابل

قتل نفس قصاص نفس مقرر گردیده بود، بلکه در مقابل قطع اعضاء و جوارح نیز قصاص عضو با شرایط و کیفیات خاص تجویز گردیده بود.

در شریعت اسلام نیز قتل نفس یکی از بزرگترین گناهان معرفی شده که مجازات ابدی جهنم در قیامت و دنیای واپسین برای آن تعیین شده است.

«کسی که عمداً مؤمنی را می‌کشد کیفر او همیشه بودن در جهنم است و خدا بر او غضب کرده و لعن می‌کند و عذاب زیادی برای او آماده کرده است.»^(۱)

همچنین از حیث مجازات در این دنیا نیز برای قاتل قصاص نفس تشریح گردیده است. البته از دیدگاه شارع مقدس اسلام در عین اینکه قتل نفس موجب سلب حیات یک انسان است، و برای اولیاء او نوعی حق شخصی ایجاد می‌کند، در صورتی که مایل باشند، بتوانند قاتل را قصاص کنند و اگر خواستند از او خونبها (دیه) دریافت نمایند، و یا به کمتر از دیه یا بیشتر از آن رضایت بدهند و یا اصولاً او را مورد عفو و بخشش قرار داده و رهایش سازند.

معهداً جنبه اجتماعی و عمومی قتل نفس هم مورد توجه دین مبین اسلام بوده است، بنحوی که قتل یک انسان بی‌گناه را به منزله کشتن تمامی مردم از جهت اهمیت و بزرگی جنایت و نیز از جهت شکستن حریم مقدس امنیت جانی افراد دانسته است.

قتل نفس از نظر شرع مقدس اسلام به سه دسته عمد، (عمد محض) شبیه عمد (یا

(۱) سورة مبارکه نساء، آیه ۹۳، و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزائه جهنم خالداً فیها و غضب الله و لعنه واعدله عذا با عظیماً.



خطا (یا خطای محض) تقسیم شده است. که در مورد نوع اول آن یعنی قتل عمد، مجازات اعدام تشریح گردیده است، و برای دو نوع دیگر خونبها (دیه) پیش‌بینی شده است، با تفاوتها و احکام خاصی که در مباحث آینده مورد بررسی و تفصیل قرار خواهند گرفت.

در حقوق جزای کشورهای غربی نیز قتل نفس به چند نوع تقسیم، و برای هر یک مجازات خاصی وضع شده است، از جمله: قتل - homicide، قتل عمد - murder قتل غیرعمد - manslaughter - و قتل به مباشرت - directkilling - قتل به سبب indirectkilling - قتل خطائی - unintentionalhomeicide قتل شبه عمد - quasi-intentionalhomeicide - و قتل مسبوق به سابقه assassinate - که برای نوع اخیر مجازات اعدام - execution مقرر گردیده است، و در موارد قتل عمد مجازات زندان اعمال می‌شود.

در قانون مجازات عمومی سابق (مصوب - ۱۳۰۴ و اصلاحات بعدی آن) که عمدتاً از قوانین جزائی کشورهای غربی خصوصاً حقوق کیفری فرانسه اقتباس شده بود، برای قتل عمد مجازات اعدام پیش‌بینی شده بود (ماده ۱۷۰ قانون مذکور)، البته از نظر قانون مورد اشاره علاوه بر قتل عمد، نوعی دیگر از قتل بنام (در حکم قتل عمد) نیز تعریف شده بود، که مجازات آن همان مجازات قتل عمد بود، (ماده ۱۷۱ همان قانون) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که تحول عمده‌ای در وضع قوانین و مقررات عموماً، و قوانین

جزایی خصوصاً حاصل گشت، با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی (حدود و قصاص و دیات) در سال ۱۳۶۱ قانون سابق در موارد مخالفت با قانون اخیر نسخ گردید، و احکام قصاص و دیات و حدود جایگزین مجازات‌های مقرر در قوانین سابق شد، و در وضع قوانین جدید ضوابط و مبنای شرعی با استفاده از کتاب (قرآن مجید) و سنت (احادیث و روایات) منقول از معصومین علیه‌السلام و فتاوی معتبره و مشهور فقهاء و حقوقدانان اسلامی مورد توجه و عمل قرار گرفت.

اما مسئله‌ای که با توجه به مطالب مذکور باید مورد توجه قرار گیرد، اینست که در شریعت اسلام، در بعضی موارد به هنگام تعارض بعضی از احکام و دستورات با نظم اجتماعی، الویت به اجرای احکام و دستوراتی که ریشه در مذهب دارند داده شد. برای فهم بیشتر مطالب فوق لازم است که قدری مسئله شکافته شده و بطور روشنتری بیان گردد.

امروزه در اکثر جوامع متمدن اروپائی و آمریکائی مسئله نظم اجتماعی و رعایت مقررات مربوط به آن بسیار مورد احترام و تأکید می‌باشد، یعنی در این کشورها مقرراتی را که موجب می‌شوند نظم و انضباط در جامعه حاکم باشد از هر چیزی مهمتر و رعایت آن بر بسیاری از امور ترجیح داده شد.

و این در جهت حفظ نظم و انضباط اجتماعی است، و یا اگر فردی بخواهد اموال خود را که به دیگری به امانت داده پس بگیرد، باید با اجازه امین باشد، لذا در این کشورها در

روابط افراد با یکدیگر آنچه که بیش از هر چیزی اهمیت دارد رعایت نظم و انضباط می باشد.

بنابراین هیچگاه در این جوامع اجازه اقدام خودسرانه به هیچیک از شهروندان داده نشد، و همچنین تعقیب مجرمین و اعمال و اجراء مجازات که از اهمیت بسیار زیادی نیز برخوردار می باشد، در جهت حفظ نظم اجتماعی است و حق انصاری قدرت حاکمه و دولت می باشد، و هرگز مردم این جوامع حق دخالت در این امور را نخواهد داشت، حتی اگر فرد خاطی و مجرم مرتکب شدیدترین جرم شده باشد.

ولی در حقوق جزای اسلامی در مواردی برخلاف آنچه که گفته شد، رعایت نظم اجتماعی کنار گذاشته می شود، چرا که اهمیت بعضی از فرآیند و احکام به حدی می باشد، که دیگر مسئله حفظ نظم اجتماعی جنبه فرعی پیدا می کند، بعنوان مثال اگر فردی مرتکب برخی از جرائم گردد، که از شدت و قباحیت بسیار زیادی برخوردار بوده، و برای جامعه اسلامی بسیار خطرناک هستند، مرتکب در چنان وضعیت و موقعیت اجتماعی قرار می گیرد، که مهدورالدم شناخته شده و حتی کشتن وی در بعضی موارد بصورت یک حق و در مواردی هم بعنوان یک تکلیف شرعی تلقی می گردد، به هر حال آنچه که در این موارد مهم می باشد، اجراء حدود و احکام الهی است، حتی اگر نظم اجتماعی مختل گردد.

اما در خصوص اهمیت این موضوع باید گفت: که مسئله حفظ نظم اجتماعی از یکسو و



اجازه کشتن عده‌ای از افراد جامعه تحت عنوان مهدورین از سوی دیگر، موجب بروز مشکلات بسیاری در جامعه خواهد بود. چراکه در اسلام با وجود اینکه دماء و خون افراد بسیار مورد احترام می‌باشد، و از حداکثر قداست برخوردار می‌باشد، چگونه قابل توجه می‌باشد که علی‌رغم این اهمیت، مقنن جمهوری اسلامی ایران بدون در نظر گرفتن این امر و حفظ نظم اجتماعی چنین تأسیسی را در قانون مقرر داشته است؟

به هر حال موضوع از جنبه اجتماعی و رعایت امنیت و انضباط اجتماعی بسیار حائز اهمیت می‌باشد، و از بسیاری از امور در جامعه مهمتر محسوب می‌گردد، لذا نباید به ساده‌گی از کنار آن گذشت. و لازم است در دانشگاه‌ها به وسیله اساتید گرامی و دانشجویان با بیان معایب این مواد در جهت اصلاح آنها اقدام گردد.

دلیل انتخاب موضوع نیز اینست که، با توجه به اینکه اینجانب در کار قضائی در بعضی موارد شاهد پرونده‌هایی بودم، که وجود ماده قانونی دائر بر تجویز قتل دیگری صرفاً به لحاظ داشتن یک اعتقاد موجب تشکیل جلسات متعدد دادرسی و صرف وقت بسیاری برای محاکم می‌گردد، چراکه در بسیاری از موارد صدور حکم براءت متهم براساس این ماده قانونی اقناع‌کننده وجدان قاضی نمی‌باشد، و از سوی دیگر شبهات و اشکالات بسیاری که بر این ماده قانونی وارد است، موجب بروز مشکلات زیادی در مرحله اعمال و اجراء می‌گردد، لذا با عنایت به این امر بر آن شدم تا در خصوص این ماده قانونی تحقیق و تفحص بنمایم در مورد روش تحقیق لازم به ذکر است که از روش کتابخانه‌ای استفاده شده

و عمده منابع رساله نیز به لحاظ کمبود منابع موجود در مورد این موضوع کتب فقهی و بعضاً کتابهای دیگر و جزوات و رسالات و مقالات بوده که مورد استفاده قرار گرفتند.

در تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی آمده است که «در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطاء شبیه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط است.» با تدفیق در معنا و مفهوم این تبصره شبهات و ابهاماتی آشکار می‌گردد که به تشریح موارد ابهام پرداخته می‌شود.

در مورد مسئله اعتقاد و عقیده باید گفت که اعتقاد یک امر درونی و باطنی بوده و دسترسی به آن یا محال می‌باشد و یا بسیار مشکل می‌باشد، و تنها خداوند متعال قادر به تشخیص اعتقاد و عقیده انسانها می‌باشد، لذا مقنن بدون توجه به این امر مسئله، اعتقاد مرتکب و احراز آنرا بوسیله دادگاه یک امر ساده و بدیهی تلقی نموده است و حال آنکه چنین نیست.

از سوی دیگر معنا و مفهوم اعتقاد در این تبصره روشن و شفاف نیست، چراکه معلوم نیست مراد قانونگذار از اعتقاد در چه حدودی می‌باشد؟ بعنوان مثال مرتکب قتل هنگام ارتکاب باید تا چه میزانی اطمینان به مهدورالدم بودن مقتول داشته باشد؟ و آیا تنها احتمال و ظن کافی است یا باید با اطمینان کامل و با قاطعیت اقدام به کشتن مجنی علیه